



انعطاف پذیری از لحاظ زمان و مکان و انعطاف پذیری از لحاظ نیازهای دانشجویان.

درخواست برای استقلال هر چه بیشتر آموزش از قید زمان و مکان ، عمدتاً به دلیل افزایش روزافزون تعداد افرادی است که برای سازگارشدهن با تحولات شغلی شان، بهبود بخشیدن به دیدگاه های حرفه ای خود و نیز تحقق بخشیدن به رشد فردی شان به دنبال تلفیق آموزش و کار با یکدیگر هستند.

شخصی سازی در مقابل انبوه، دومین بعد مهم انعطاف پذیری یادگیری است؛ به این معنی که، محصولات و خدمات باید هر چه بیشتر "بر مبنای تقاضا" و با توجه به ویژگی های خاص فرد متقاضی ارائه شوند. در حوزه آموزش می توانیم حرکت مشابهی را از سوی آموزش عرضه محور "یکسان برای همه" (same for all) به سمت آموزش تقاضا محور ، "فقط برای من" (just for me) ، مشاهده کنیم. آموزش فراگیر محور باید با ملاحظه توانمندی های قبلی فراگیران ، مسیرهای یادگیری شخصی شده ای را برای هر کدام از آنان فراهم کند و آنان را قادر سازد از بین سطوح متفاوت رهنمودها و شیوه های گوناگون ارائه اطلاعات دست به انتخاب بزنند.

این مبحث ادامه دارد . . .

جمع آوری و تنظیم:

مریم عباس زاده - کارشناس EDO و آموزش الکترونیکی

منبع: کتاب نظام جامع یادگیری الکترونیکی ۱۳۹۰،

ترجمه: دکتر عشرت زمانی، سیدمجید عبدالمهی

در چنین حالتی سه جزء اساسی آموزش (ارائه ، تمرین و آزمون) معنای متفاوت و گسترده تری می یابند. امروزه با شرکت دادن فراگیران در فرایندهای یادگیری مشارکتی و گروهی بر به کارگیری الگوهای فرایند محور در ارتباط با پرورش ذهنی آنها تاکید می شود.



به صورتی که فراگیران شرکت کننده در این فرایندها، بر اثر اتخاذ رویکرد آموزشی مباحثه و اکتشاف هدایت شده از سوی استادان، به سمت تولید دانش به پیش برده می شوند. از جنبه آزمون ، ارزشیابی تکوینی مبتنی بر عملکرد دارای اهمیت فوق العاده ای است . زیرا این نوع آزمون ، بازخورد معنی داری برای دانشجویان دارد و به رشد تدریجی فرایند های یادگیری کمک می کند.

یادگیری منعطف

در ارتباط با یادگیری منعطف دو دیدگاه رایج وجود دارد :

نظام های آموزشی و فناوری های یادگیری



دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی

دفتر توسعه آموزش

نظام های آموزشی و فناوری های یادگیری

تغییر بخش اساسی و جدایی ناپذیر از حوزه آموزش عالی است و بی شک، در تاثیرگذاری بر این حوزه، پیشرفت های اجتماعی و فناوری سهم خود را دارند. این شیوه های جدید بر ضرورت یادگیری مهارت های سطح بالا مانند حل مسئله، راهبردهای یادگیری و خودتنظیمی (self-regulation) و ساخت جمعی دانش از طریق مشارکت فراگیران در گروه های یادگیری فعال تاکید می ورزند.

به منظور از بین بردن خلاء موجود میان آموزش رسمی و تجربه حرفه ای و شغلی و افزایش امکان انتقال مهارت ها، دانش و نگرش های اکتسابی از آموزشگاه به محل کار، تلفیق روز افزونی بین یادگیری و کار در حال پدید آمدن است. فناوری های جدید به خصوص، فناوری اطلاعات و ارتباطات (Information and Communication Technology) ICT، حوزه اینترنت و کاربردهای آن به سرعت جای خود را در عرصه آموزش عالی باز کرده است.

ظهور تغییرات در حوزه آموزش عالی

همگام با ظهور سریع تحولات اجتماعی و فناوری در حوزه آموزش عالی و یادگیری مادام العمر نیز تغییرات عمده ای در حال رخ دادن است. پاسخگویی به پرسش های مبنایی در باره محتوا و چگونگی آموزش، بخشی اساسی از این تغییرات را تشکیل می دهد.

مهارت ها، دانش و نگرش های آموخته شده به دانشجویان باید آنان را برای زندگی در دنیای امروز و دهکده جهانی آینده بهتر آماده کند.

تغییرات دیگر نیز به زمان و مکان آموزش مربوط می شوند. تلفیق این تحولات بایکدیگر به ظهور مفاهیم آموزشی جدیدی منجر شده است که می توان آنها را در قالب اصطلاحاتی از قبیل یادگیری (توانمندی های) پیچیده، یادگیری منعطف و یادگیری دوگانه توصیف کرد.



یادگیری (توانمندی های) پیچیده

مفاهیم کلیدی در یادگیری (توانمندی های) پیچیده عبارت است از:

- هماهنگی بین مهارت های تشکیل دهنده آن،
- یکپارچه سازی مهارت ها،
- دانش و نگرش ها در درون توانمندی های حرفه ای،
- قائل شدن تمایز در بین انواع گوناگون توانمندی ها.

منظور از هماهنگی در این جا آن است که توانایی حل مسائل جدید با استدلال در باره موضوعات پیچیده، نتیجه ترکیب ساده برخی از مهارت های کسب شده نبوده، بلکه محصول برقراری هماهنگی پویا بین این مهارت ها در موقعیت های جدید است.

مفهوم یکپارچه سازی نشان دهنده آنست که آموزش نباید به یاددهی مهارت ها، اجزای دانش و نگرش های مجزا از هم منتهی شود، بلکه ترکیبی از آنها را برای رسیدن به اهداف جامع یادگیری به کار گرفت.

تمایز بین انواع گوناگون توانمندی ها به معنای آنست که تاکید مرسوم در سنت آموزش مبتنی بر کسب سطوح ابتدائی مهارت ها و قابلیت ها به وسیله فراگیران کافی نیست، بلکه باید برای مهارت های سطوح بالای شناختی (نظیر مهارت حل مسئله، تفکر انتقادی) و مهارت های فراشناختی (نظیر ادراک فرایند یادگیری، خودتنظیمی و خودارزیابی) روز به روز اهمیت بیشتری قائل گشت.

برای پشتیبانی از این نوع یادگیری، شیوه های جدید آموزشی رو به گسترش است. این شیوه ها شامل یادگیری مسئله محور، یادگیری مورد محور، یادگیری صلاحیت محور و یادگیری پروژه محور و موارد دیگری از این قبیل است.

ویژگی مشترک بین این رویکردها تاکید آنها بر تکالیف و فعالیت های یادگیری پربار، معنی دار و واقع گرا به مثابه نیروی جلوبرنده یادگیری است.